

هنوز راه طولانی فرا روی
تطبيق قانون منع خشونت علیه زن
در افغانستان

خلاصه راپور و سفارشات



مېنت معاونت ملل متحد برای افغانستان

کابل - افغانستان

دسمبر ۲۰۱۲

ماموریت:

هئیت معاونت ملل متحد برای افغانستان (یوناما) و بخش حقوق بشر آن که در عین حال از دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در افغانستان نیز نمایندگی میکند، ماموریت خویش را از قطعنامه ۲۰۴۱ (۲۰۱۲) شورای امنیت سازمان ملل متحد کسب میکند که مشعر است:

نظارت از وضعیت افراد ملکی، هماهنگی تلاشها برای حفاظت آنها، بهبود حسابدگی، و حمایت جهت تحقق کامل آزادی های اساسی و حقوق بشری مندرج در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان جانب آن میباشد، مخصوصاً آن دسته از معاهدات که راجع به برخورداری کامل زنان از حقوق بشری شان اند.

قطعنامه ۲۰۴۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد به طور خاص بر لزوم حمایت و حفاظت از حقوق زنان و دختران افغان و حمایت از آنها در برابر خشونت و سوء استفاده؛ تاکید میکند:

۴۲. با اذعان بر اینکه با وجود پیشرفت در عرصه تساوی جنسیتی، تلاشهای بیشتر به شمول تلاشهای قابل پیمایش و معطوف به هدف، برای تأمین حقوق زنان و دختران در افغانستان ضروری میباشد تا بتوان تضمین کرد که تمام زنان و دختران در افغانستان در برابر خشونت و بد رفتاری محفوظ اند و از حمایت های قانونی و دسترسی به عدالت به طور مساویانه برخوردارند، قویاً تبعیض و خشونت علیه زنان و دختران را نکوهش میکند.

۴۳. تعهدات دولت افغانستان در قبال.... تدوین یک راهبرد برای تطبیق کامل قانون منع خشونت علیه زن به شمول ارائه خدمات برای قربانیان را مورد ستایش قرار میدهد. همچنین یادآور می شود که تقویت و حفاظت حقوق زنان بخش جدا ناپذیر صلح، مصالحه و ادغام مجدد است.

یوناما بر تمام ابعاد حقوق زنان در داخل چهار اولویت کاری خویش توجه مبذول میدارد، اما به مبارزه با خشونت علیه زنان و توانمند ساختن آنها برای اشتراک در امور جمعی اولویت ویژه قایل اند. یوناما در طی دو سال گذشته براساس نظارت دوامدار از طریق هشت دفتر ساحوی خویش سه گزارش عمومی منتشر نموده است که در آن رفتارها و رسوم مضر برای زنان و دختران را مستند سازی نموده و پیشرفت دولت در امر مساعد ساختن محافظت های قانونی برای قربانیان این نوع تخطی ها را ارزیابی نموده است.^۱

در نوامبر ۲۰۱۱ یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گزارشی را تحت عنوان "راه طولانی فرار روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن" به نشر رساند که یافته های خویش را راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط ارگانهای عدلی و قضایی در یک دوره بین مارچ ۲۰۱۰ تا سپتامبر ۲۰۱۲، در آن گزارش ارائه نمود. گزارش ۳۱ سفارشات را به ارگانهای دولتی مربوطه، تمویل کنندگان و جامعه بین المللی جهت بهبود تطبیق قانون متذکره ارائه نموده بود.

^۱ - راه طولانی فرار روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان،

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/A%20Long%20Way%20to%20Go%20-%20Implementation%20of%20EVAW%20law%20UNAMA%20Nov%202011-Dari.pdf>

۲- عرف و عنعان ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/Harmful%20Traditional%20Practices%20and%20EVAW%20Law%20-%20Dari.pdf>

۳- خاموشی خشونت است، به بد رفتاری علیه زنان در افغانستان خاتمه دهید.

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/vaw-dari.pdf>

روش شناسی:

این گزارش خلاصه‌ی از وضعیت خشونت علیه زنان در افغانستان و روند تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط دولت افغانستان در روشنایی قضایای گزارش شده‌ی خشونت علیه زنان در مراحل مختلف رسیدگی قضایی را بیان میکند. گزارش یک دوره‌ی بین اکتوبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ را در بر میگیرد. یوناما، معلومات‌های آماری و کیفی را راجع به چگونگی ثبت و تحقیق قضایای خشونت علیه زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط څارنوالان و قضات و پولیس از ۲۲ ولایت، جمع‌آوری نموده است. معلومات راجع به وضعیت عملکرد کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زنان را نیز از طریق هشت دفتر ساحوی خویش و دفتر مرکزی آن در کابل، جمع‌آوری نمود.

یوناما/کمیسیون عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنان بیشتر از ۲۰۰ جلسه و مصاحبه را با قربانیان خشونت علیه زنان، خویشاوندان آنها، متهمین، داکتران در شفاخانه‌های دولتی، رؤسا یا نمایندگان ریاست امورزنان در ولایات، نمایندگان ریاست صحت عامه، پولیس ملی افغانستان و اداره تحقیقات جنایی آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، څارنوالان، قضات در محاکم شهری، وکلای مدافع، نمایندگان نهادهای مساعدتهای حقوقی، مؤسسات داخلی و بین‌المللی، ادارات سازمان ملل متحد و ژورنالیستان انجام داد.

این گزارش مدعی این نیست که یک ارزیابی کامل از وضعیت خشونت علیه زنان در دوره‌ی بین اکتوبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ در افغانستان را ارائه میکند. خشونت علیه زنان به طور گستره گزارش نشده باقی می‌ماند. آن عده از واقعات خشونت علیه زنان که به ارگانه‌های مجری قانون و مقامات عدلی و قضایی گزارش می‌شود و یا توجه عمومی را به دلیل حاد بودن خویش از طریق مطبوعات جلب میکند، تنها مبین رقم آمار معلوم قضایای خشونت علیه زنان (قسمت برآمده سخره یخ شناور در آب) در سراسر کشور می‌باشد. یوناما به این نظر است که جمع‌آوری اطلاعات هرچه بیشتر به طور دقیق، منظم و سیستماتیک ضرورت مبرم برای درک بهتر درجه، طبیعت و وسعت عوامل خشونت علیه زنان می‌باشد که می‌تواند بعداً در ارائه اصلاحات و راه‌حلها موثر واقع گردد.^۲

چالشها در جمع‌آوری معلومات:

با وجود سروکار داشتن مستمر دفتر یوناما با مقامات افغان و گفتگو راجع به ماموریت دفتر یوناما جهت نظارت بر نقض حقوق بشر، مقامات در بسیاری از مناطق در تشریح معلومات مربوط به خشونت علیه زنان با بی‌میلی و احتیاط عمل نمودند. دلایل آن را می‌توان اکثراً دو مورد دانست: برداشت اینکه اجراءات فردی مجریان قانون در صورت تشریح معلومات مورد قضاوت قرار گیرد؛ و عدم ثبت درست قضایای خشونت علیه زنان، مخصوصاً فقدان یک سیستم اختصاصی، معیاری و دقیق مدیریت قضایا که توسط تمام نهادهای ذیدخل در رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه یوناما نتوانست یک معلومات جامع راجع به ثبت و پیگیری واقعات خشونت علیه زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را از هریک از ادارات ذیربط به شمول ریاست‌های امور زنان، پولیس ملی افغانستان، څارنوالی‌ها و محاکم به دلایل چون سطح متفاوت همکاری این ادارات با یوناما، دسته‌بندی مختلف از تخطی‌ها به عنوان واقعات خشونت علیه زنان و نواقص در

^۲ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش دادند که در هفت ماه اول سال ۱۳۹۱ خورشیدی ۴۰۱۰ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده است. معیار ثبت قضایای خشونت علیه زنان با معیار ثبت قضایا توسط پولیس و څارنوالی عین هم نیستند. معلومات داده شده توسط کمیسیون در سایت ذیل موجود می‌باشد. http://www.8am.af/index.php?option=com_content&view=article&id=28666:---28--&catid=1:title&Itemid=553

مدیریت و حفظ و نگهداری قضایا؛ جمع آوری کند. حصول معلومات به طور مستقیم از بعضی از محاکم شهری ممکن نبود و در این گونه موارد یوناما بر معلومات منابع دسته دوم اتکاء نمودند.

آمارهای جمع آوری شده از نهادها اکثراً شامل ترکیبی از قضایای مدنی و قضایای جزایی خشونت علیه زنان می باشد. بدون موجودیت یک نظام مدیریت معیاری و درست قضایا چه در هر اداره ی مربوطه به طور جداگانه و چه در تمام ادارات ذیربط به طور مشترک، ردیابی برآیند (نتیجه) یک قضیه ی مطرح شده دشوار بود. یوناما دریافت که پیگیری قضایای خشونت علیه زنان، زمانیکه از یک اداره به اداره دیگر منتقل می شود، بسیار ضعیف است. این وضعیت مبین یک خلاء بزرگ در ارائه پاسخ موثر و جامع توسط دولت به قربانیان خشونت علیه زنان و همچنین خلاء در تلاشها به منظور تضمین محافظت حقوقی کامل برای قربانیان مذکور میباشد.

یونامادر جمع آوری معلومات دقیق از همه ۳۴ ولایت افغانستان با چالش مواجه شد و در نتیجه تحلیلی از معلومات از ۲۲ ولایت را ارائه میکند. همچنین دشوار بود که مجموعه ای از معلومات مشابه را از هر یک از ادارات دولتی در سراسر افغانستان جمع آوری کرد که همین چالش تحلیل مقایسوی و استفاده از معیارهای واضح برای ارزیابی شاخص های مشترک پیشرفت در هر معیار را با مشکل مواجه ساخت.

به طور مثال ولایاتی که یوناما از پولیس، خارنوالی و محاکم آن ولایات معلومات دریافت کرد، اندک متفاوت می باشد. در ولایات پکتیکا و کابل یوناما از خارنوالی معلومات دریافت کرد ولی از پولیس دریافت نکرد یا خارنوالی در ولایات نیمروز و کندهار از تشریک معلومات با یوناما خود داری کردند، درحالیکه در همین ولایت معلومات راجع به واقعات خشونت علیه زنان از پولیس دریافت گردید. علیرغم درخواست، هیچ معلومات توسط محاکم شهری در کندهار و کابل شریک نگردید.

با وجود استفاده از میتودولوژی؛ موجودیت و در دسترس بودن معلومات و تحلیل به کار رفته توسط یوناما در این گزارش و گزارش قبلی آن – راه طولانی فراروی تطبیق قانون منع خشون علیه زنان در افغانستان- کاملاً یکسان نبود که در نتیجه مقایسه مستقیم یافته های گزارشهای متذکره را دشوار ساخت. یوناما توانستند که براساس یافته های خویش در طی دو نیم سال که توسط این دوگزارشها پوشش داده شده، تطبیق قانون منع خشونت علیه زن مورد مقایسه و ملاحظه کلی قرار دهند.

درذیل لیست ولایات است که یوناما در آنجاها معلومات از پولیس، خارنوالی و محاکم؛ جمع آوری کند.

پولیس	بلخشان	پانجهشیر	بلخ	پامیان	دایکندی	فراه	فاریاب	غزنی	نور	هرات	جوزجان	کندهار	کابل	کاپیسا	خوست	کنر	ننمان	ننگرهار	نیمروز	پکتیکا	پکتیا	پروزان	سنگان	تلخار
خارنوالیها	بلخشان	پانجهشیر	بلخ	پامیان	دایکندی	فراه	فاریاب	غزنی	نور	هرات	جوزجان	کندهار	کابل	کاپیسا	خوست	کنر	ننمان	ننگرهار	نیمروز	پکتیکا	پکتیا	پروزان	سنگان	تلخار
محاکم	بلخشان	پانجهشیر	بلخ	پامیان	دایکندی	فراه	فاریاب	غزنی	نور	هرات	جوزجان	کندهار	کابل	کاپیسا	خوست	کنر	ننمان	ننگرهار	نیمروز	پکتیکا	پکتیا	پروزان	سنگان	تلخار

نوت: هیچ معلومات از ارگان مربوطه در ولایات که به رنگ آبی مشخص شده، بدست نیامده است.

خلاصه راپور

من پنج ماه پیش با یک مرد در قریه سوه ولسوالی انجیل ازدواج کردم. شوهر و خسر من چندین بار مرا بدون هیچ دلیلی لت و کوب کردند. بد رفتاری های مکرر آنها مرا مجبور ساخت که شکایت کنم، شکایت من بی فایده بود زیرا که خارنوال درخواست مرا نادیده گرفت و به من اخطار داد که یا شکایت خود را پس بگیرم و یا زندانی می شوم.

-- یک دختر ۱۵ ساله متاهل که ضرب و جرح را تجربه کرده و بعداً در نتیجه خودسوزی جان داد، ولایت هرات، اگست ۲۰۱۲.^۳

دولت افغانستان تعهد اساسی خود نسبت به حمایت و حفاظت از حقوق زنان و برابری زنان در برابر قانون را با تصویب قانون منع خشونت علیه زن در اگست ۲۰۰۹ و دیگر اقدامات نشان داد.^۴ این قانون مهم برای اولین بار در افغانستان ازدواج اطفال، ازدواج اجباری، خودسوزی اجباری و ۱۹ نوع دیگر از خشونت علیه زنان به شمول تجاوز جنسی را جرم دانسته و برای مرتکبین آنها مجازات تعیین کرده است.

با توجه به گستردگی وقوع خشونت علیه زنان در افغانستان و مقاومت در برابر حقوق زنان در سطوح مختلف جامعه، ارزیابی دوره ای از پیشرفت در اجرای قانون منع خشونت علیه زن، که در چارچوب تعهد حسابدهی دوجانبه در جون ۲۰۱۲ توکیو مورد تاکید قرار گرفت، ضروری است. رفتارهای زیان آور و خشونت علیه زنان در افغانستان برای مدت زمان طولانی زنان را از مشارکت در زندگی اجتماعی باز داشته و مانع رسیدن صدای آنها به گوش تصمیم گیران و مجامع سیاسی شده است. پیشرفت در اجرای قانون منع خشونت علیه زن می تواند در توانمند سازی زنان به ایفای نقش مهم و حیاتی در پروسه های جاری صلح و آشتی کمک نماید. ملل متحد مکرراً بر ضرورت تضمین مشارکت مساوی زنان و دخیل ساختن کامل آنها در کوشش ها برای استقرار و پیشبرد صلح و امنیت پایدار و همچنین ضرورت افزایش نقش آنها در تصمیم گیری و در جلوگیری از درگیری و ختم آن تاکید کرده است.

این گزارش اجرای قانون منع خشونت علیه زن توسط مقامات قضائی و دیگر مجریان قانون در جریان اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتمبر ۲۰۱۲ را مورد بررسی قرار داده و چالشهایی که زنان افغان در دسترسی به عدالت با آن مواجه هستند را شناسایی می کند. تحلیل گزارش بر اساس معلومات جمع آوری شده از ۲۲ ولایت از مجموع ۳۴ ولایت افغانستان صورت گرفته که گزارشدهی، ثبت و پروسه قضایی مبتنی بر قانون منع خشونت علیه زن و قانون جزاء را که توسط پولیس ملی، دفاتر خارنوالی و محاکم ابتدایی در مجموعه ی نمونه ای از قضایای خشونت علیه زنان انجام شده برجسته می سازد.^۵ در شانزده ولایت، یوناما معلومات مفصل بیشتری را از پولیس، خارنوالی و محاکم راجع به قضایای طی مراحل شده بر اساس قانون منع خشونت علیه

^۳ سادات، یک دختر متاهل پانزده ساله که قربانی ضرب و جرحی بوده که وی را مجبور ساخت تا در ۱۶ فیبروری ۲۰۱۲ خودسوزی کند. او برای تداوی به ترکیه فرستاده شد اما سرانجام در ۲۳ فیبروری ۲۰۱۲ جان داد. قضیه وی به وسیله یوناما/ دفتر کمشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نظارت شد.

^۴ اقدامات دیگر دولت شامل ایجاد و منظم ساختن کمیسیون عالی رفع خشونت علیه زنان در جون ۲۰۱۰ و ایجاد دفاتر ولایتی آن ایجاد خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در لوی خارنوالی در مارچ ۲۰۱۰، تنظیم مقرره مراکز حمایتی زنان در ۲۰۱۱، مقرره مساعدت های حقوقی، فرمان شماره ۴۵ رئیس جمهور در رفع فساد در جولای ۲۰۱۲، ایجاد واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در پولیس ملی و ایجاد واحدهای چندر در وزارت ها و دیپارتمنت های مختلف می باشد.

^۵ یوناما معلومات را تنها از ۲۲ ولایت از مجموع ۳۴ ولایت به دلایل چون محدودیت در دسترسی به بعضی مناطق افغانستان، نبود همکاری بین مقامات انفاذ قانون، و چالشهای در جمع آوری و دسترسی به اطلاعات به دست آورده است. این گزارش ادعا ندارد که دیدگاه کامل را از وضعیت خشونت علیه زنان در افغانستان ارائه می کند. برای معلومات بیشتر به بخش روش شناسی این گزارش مراجعه کنید.

زن به دست آورد. همچنین این گزارش، نقش مهم و برجسته ریاست های امور زنان و کمیسیون های منع خشونت علیه زنان در ولایات را به خوبی نشان می دهد. این گزارش همچنین یافته های یوناما را که در گزارش قبلی آن راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن که در نوامبر ۲۰۱۱ تحت عنوان «راه طولانی فراروی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان» نشر گردید، به روز می سازد.

گزارش فعلی هم پیشرفت مثبت و هم نارسایی های مداوم در اجرای قانون منع خشونت علیه زن توسط نهادهای عدلی و قضایی را طی دوازده ماه گذشته – اکتبر ۲۰۱۱ الی سپتامبر ۲۰۱۲ در یافته است. هر چند خارتوالان و محاکم به طور روزافزون قانون مذکور را در قضایای خشونت علیه زنان که به طور فزاینده گزارش و ثبت می شوند اجرا می کنند، اما به طور کلی استفاده از قانون مذکور همچنان پایین است و این مسئله نشان می دهد که هنوز هم زنان و دختران در افغانستان برای برخورداری حمایت کامل قانون در مقابل خشونت راه درازی درپیش دارند.

حوادث خشونت علیه زنان همچنان تا حد زیادی گزارش نشده باقی می ماند و دلایل آن هم موانع فرهنگی، تابوها و هنجارهای اجتماعی، باورهای سنتی و مذهبی، تبعیض علیه زنان می باشد که منجر به به قبول گسترده ی خشونت علیه زنان، ترس از بدنامی و رانده شدن از جامعه و گاهی اوقات تهدید علیه زندگی می گردد. آن حوادثی که به مقامات انفاذ قانون و مقامات قضایی می رسند یا توجه عمومی را از طریق رسانه ها به دلیل انگشت نما شدن به خود جلب می کنند، تنها نشان دهنده رقم معلوم (نوک کوه یخی از) واقعات خشونت علیه زنان در سراسر کشور است.

با این وجود، تعداد واقعات خشونت علیه زنان که به ارگانها و نهادهای معین^۶ گزارش می شوند، در طی دوره مربوط به این گزارش رو به افزایش بوده است که این (افزایش گزارش دادن) خود یک انکشاف دلگرم کننده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۴۰۱۰ قضیه خشونت علیه زنان را طی مدت هفت ماه اول سال جاری خورشیدی (۲۱ مارچ- ۲۱ اکتبر ۲۰۱۲) ثبت کرده است این در مقایسه با ۲۲۹۹ قضیه ای است که این نهاد در کل سال خورشیدی ۱۳۹۰ (از ۲۱ مارچ ۲۰۱۰ تا ۲۱ مارچ ۲۰۱۱) ثبت کرده بود.^۷ افزایش در گزارشدهی این واقعات ممکن است نتیجه افزایش آگاهی عامه و حساسیت در مورد خشونت علیه زنان و نتایج زیان آور و مجرمانه این واقعات و یا افزایش در آگاهی از حقوق زنان در نتیجه کوشش های نهادهای جامعه مدنی، دولت و فعالان بین المللی باشد. به توجه به دلایل فوق، ممکن است افزایش در گزارشدهی ضرورتا انعکاس دهنده افزایش واقعی در واقعات خشونت علیه زنان نباشد.

مشاهدات یوناما نشان می دهد که خارتوالان در ۲۲ ولایت ۱۵۳۸ واقعات گزارش شده خشونت علیه زنان را ثبت کرده اند.^۸ این نشان دهنده افزایش آشکار در ثبت واقعات گزارش شده در مقایسه با یافته های سابق یوناما است که در آن خارتوالان ۵۲۹

^۶ این نهادها شامل ریاست های امور زنان در ولایات، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، سازمان های مساعدت های حقوقی، شفاخانه ها و تعداد زیادی از سازمان های حقوق زنان و جامعه مدنی می شود.

^۷ معلومات دریافت شده از دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کابل، ۶ دسامبر ۲۰۱۲. همچنین نگاه کنید به گزارش «راه طولانی فراروی تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان». برای دسترسی به ترجمه دری این گزارش مراجعه کنید به:

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/A%20Long%20Way%20to%20Go%20-%20Implementation%20of%20EVAW%20law%20UNAMA%20Nov%202011-Dari.pdf>

^۸ این ۲۲ ولایت عبارتند از بدخشان، بادغیس، بامیان، بلخ، دایکندی، فراه، فاریاب، غرني، غور، هرات، جوزجان، کندهار، کاپیسا، خوست، کتر، لغمان، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پروان، سمنگان و تخار. در این گزارش، اصلاح «واقعہ» به این معنا است که دفاتر خارتوالی جرم ادعا شده خشونت علیه یک زن را ثبت یا راجستر کرده است. این ثبت به معنای این نیست که خارتوالی تحقیق را در مورد یک قضیه ثبت شده شروع کرده، یا قضیه را به پولیس برای تحقیق و یا روشهای تحلیل منازعات راجع کرده و یا پروسه تحقیق را طی کرده است. «ثبت» یک واقعه گزارش شده به وسیله پولیس یا یک خارتوال به

واقعه گزارش شده خشونت علیه زنان را در همین ۲۲ ولایت ثبت کرده بودند.^۹ بیش از نیمی از واقعات گزارش شده در دوره کنونی از دو ولایت کابل (۶۷۰ واقعه) و هرات (۳۳۳ واقعه) می باشد که با یافته های سابق سازگار است.

محاکم شهری از ۲۲ ولایت (به استثنای کابل) مجموعه ۳۷۸ قضیه را در طی همین دوره با ۲۲۵ حکم محکومیت ثبت کردند. ثبت قضایای خشونت علیه زنان به وسیله این محاکم در این گزارش نسبت به یافته های گزارش قبلی تقریباً چهار برابر شده است.^{۱۰}

در کل گزارش واقعات خشونت علیه زنان به پولیس ثبت این واقعات توسط پولیس هنوز هم در سطح پائین قرار دارد. براساس اطلاعات موجود، یونا دریافت شده است که پولیس در ۲۲ ولایت^{۱۱} (به استثنای کابل) در کل ۷۴۰ واقعه خشونت علیه زنان را از ماه اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ ثبت کرده است. این آمار تقریباً مساوی به یافته های قبلی می باشد.^{۱۲} از جمله ۷۴۰ واقعه پولیس ۴۰۱ مورد (۵۴ درصد) آنرا به خائرنوالی فرستاده اند، در ۳۱۲ مورد آن انصراف، ارجاع به ساختارهای غیر رسمی حل منازعات و ادارت حقوق وزارت عدلیه، میانجیگری توسط پولیس صورت گرفته اند و یا در دوران می باشند.

در ۱۶ ولایتی^{۱۳} که یوناما قادر به دریافت معلومات با جزئیات بیشتر از پولیس، سانوالی ها و محاکم راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه شدند؛ ۴۷۰ واقعه خشونت علیه زنان در آن ولایات در ادارت پولیس و خائرنوالی ثبت شده اند. از جمله این ۴۷۰ قضیه خائرنوالی ها ۱۶۳ قضیه را به محاکم احاله نموده اند که از آن جمله ۱۰۰ قضیه (۶۱ درصد) منجر به محکومیت شده اند. ۷۲ قضیه (۴۴ درصد) از جمله ۱۶۳ قضیه با استناد به قانون منع خشونت علیه زن احاله محاکم شده اند. از جمله این ۷۲ قضیه ۵۲ قضیه (۷۲ درصد) با استناد به قانون منع خشونت علیه زن منجر به محکومیت شده اند. این یافته نشان میدهد که در موارد که خائرنوالان دعوی را قسماً یا کاملاً براساس قانون منع خشونت علیه زن اقامه کرده اند، تعقیب عدلی اینگونه قضایا به احتمال زیاد منجر به محکومیت متهم گردیده است.

یافته ها این گزارش نشان دهنده پیشرفت در ثبت قضایا و به کاربردن قانون منع خشونت علیه زنان توسط خائرنوالیها و محاکم ابتدایی در مقایسه با یافته های گزارش قبلی، می باشد.^{۱۴} خائرنوالان قضایای بیشتری را ثبت کرده اند و محاکم شهری نیز محکومیت بیشتری را با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن صادر نموده اند. در حالیکه این پیشرفت بسیار قابل اهمیت و قابل ستایش می باشد، اما با آنهم در مقایسه با ۴،۰۱۰ قضیه ثبت شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در طی هفت ماه گذشته سال جاری (حمل تا ختم میزان ۱۳۹۱)، تعداد قضایای که توسط ارگانهای عدلی و قضایی حل و فصل شده و تعداد قضایای که با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن در ۱۶ ولایت منجر به محکومیت گردیده، همچنان در سطح پائین قرار دارد.

این معنا است که یک دوسیه باز شده است اما ضرورتاً به این معنا نیست که تحقیق شروع شده و یا حادثه به نهاد های عدلی و عدلی و قضایی دیگر راجع شده است.

^۹ نظارت ساحوی یوناما، سپتمبر ۲۰۱۱.

^{۱۰} نظارت ساحوی یونامادر دوره گذشته نشان می دهد که ۸۴ قضیه خشونت علیه زنان در عین محاکم به ثبت رسیده بود.

^{۱۱} بدخشان، بادغیس، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هرات، جوزجان، کابل، کاپیسا، کندهار، کتر، لغمان، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پروان، سمنگان، تخار

^{۱۲} نظارت یوناما در جریان مدت دوره ی گذشته ۷۲۷ قضیه در همان ۲۲ ولایت را از پولیس به ثبت رساند.

^{۱۳} بامیان، بادغیس، بدخشان، پروان، پکتیا، پکتیکا، جوزجان، خوست، دایکندی، سمنگان، غور، فراه، کاپیسا، کتر، لغمان، ننگرهار

^{۱۴} در گزارش قبلی از عین ۱۶ ولایت، خائرنوالیها و پولیس ۳۳۷ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده که در ۱۹ مورد (۳۴ درصد) محکومیت از جمله ی ۵۶ مورد محکومیت، محاکم قانون منع خشونت علیه زن را استفاده نموده بود.

یوناما مشاهده کرده است که لت وکوب من حیث متداولترین جرم ثبت شده براساس قانون منع خشونت علیه زن است. افزایش در موارد قتل های ناموسی نیز مشاهده گردیده است. رویه نادرست تحت تعقیب عدلی قرار دادن زنان و دختران به خاطر فرار از منزل که اکثراً به خاطر نجات از خشونت به آن متوسل می شوند، همچنان ادامه دارد. پولیس ۶۲ مورد، خارتوالی ها ۳۱ قضیه و محاکم ۹ قضیه فرار از منزل را ثبت نموده اند.^{۱۵} فرار از منزل در قوانین افغانستان و همچنان شریعت جرم دانسته نشده است، اما با آن هم مقامات تنفیذ قانون اکثراً دختران و زنان را به خاطر آنچه معروف به "جرم اخلاقی" است و به اتهام "قصد ارتکاب زنا" یا "شروع به جرم زنا" دستگیر کرده و تحت تعقیب قرار می دهند. در سپتامبر ۲۰۱۲، نکوهش علنی این رویه توسط وزیر عدلیه، وزیر امور زنان و معین وزارت داخله^{۱۶} مورد استقبال گسترده ی سازمانهای مدافع حقوق زنان قرار گرفت. این نوع بیانیه ها برای محافظت زنان و دختران در برابر خشونت علیه زنان و توقیف غیر قانونی بسیار مهم و موثر می باشد، اما این بیانیه ها باید کاملاً عملی شده و مورد حمایت کامل سیاسی نیز قرار بگیرند.

گزارش همچنان دریافته است که به جای رعایت اصول اجراءات قانونی، پولیس و خارتوالی ها به رویکرد ارجاع قضایا به شمول بعضی جرایم شدید به شوراها و جرگه ها جهت دریافت مشورت یا حل آن قضایا، همچنان ادامه داده است که اکثراً باعث تضعیف تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و تقویت رسوم و عنعنات مضر، میگردد. مشاهده گردیده است که تصامیم این ساختارها اکثراً توسط زورمندان محل اتخاذ میگردند که پروسیجرهای مختلف را در تصمیم گیری خویش به کار می برند و تصامیم شان را بر آمیزه ای از رفتارهای سنتی، تفاسیر متفاوت از قواعد اسلامی و روابط قدرت در محل که اکثراً با ضابطه های قانونی و قواعد مذهبی در تناقض اند، بنا می نهند. در نتیجه، گروههای آسیب پذیر در جامعه خصوصاً زنان و اطفال بیشتر از پیش قربانی میگردند. به طور مثال، یک محکمه ممکن مرتکب جرم تجاوز را به حبس محکوم کند و در عین حال یک ساختار سنتی حل منازعات جامعه محور تصمیم گرفته باشد که متجاوز باید با قربانی تجاوز ازدواج کند و یا در مقابل آن "بد" بدهد.

یوناما همچنان مشاهده نمود که اکثریت قضایای خشونت علیه زنان که به ساختارهای سنتی حل منازعات ارجاع گردیدند، بدون نظارت ارگانهای ارجاع کننده آن مانند ریاست امور زنان، پولیس و خارتوالی حل شدند. زمانیکه زنان به خانواده خویش برگشتند، اکثراً در معرض خطر خشونت مجدد قرار گرفتند.

این گزارش مواردی از بی میلی پولیس در امر دستگیری مرتکبین خشونت علیه زنان را دریافته است؛ مرتکبین که با گروههای مسلح مخالف دولت یا ملیشه های حامی دولت-اربکی ها، پولیس محلی، اشخاص متنفذ در دولت یا بیرون از دولت یا آنانیکه قادر به پرداخت رشوت اند، رابطه دارند. یوناما مشاهده نموده است که پولیس در بعضی از مناطق ضعیف تر از مرتکبین خشونت علیه زنان اند در حالیکه در بعضی مناطق دیگر به نظر می رسد که پولیس به خاطر فساد یا فقدان بی طرفی در اجرای عدالت از مرتکبین حمایت کرده اند. این پدیده با میکانیسم حسابدگی ضعیف در پولیس و نگرش تبعیض آمیز علیه زنان در هم آمیخته که منجر به مصئونیت گسترده ی مرتکبین خشونت علیه زنان در سراسر کشور شده است.

مسئله ظرفیت پولیس من حیث عاملی که اکثراً باعث عدم تحقیق درست قضایای خشونت علیه زنان میگردد نیز ملاحظه گردید. فقدان پولیس زن ذیصلاح که من حیث افسر تحقیق تعیین میگردد، مانع دسترسی زنان به عدالت شده اند.

^{۱۵} طبق {آمار} واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در وزارت امورداخله، در جریان هشت ماه گذشته سال جاری خورشیدی ۱۱۹ قضیه به حیث فرار از منزل در ۳۳ ولایت- به استثنای کابل- ثبت گردیده است. معلومات با یوناما شریک گردید، نوامبر ۲۰۱۲.

^{۱۶} جلسه اختصاصی کمیسیون امورزنان، جامعه مدنی و حقوق بشر پارلمان، کابل، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲.

یوناما دریافته است که آماری جامع در قسمت تعداد قضایای گزارش شده و قضایای ثبت شده ی خشونت علیه زنان در افغانستان وجود ندارد. علاوه بر آن ضوابط معیاری راجع به فهرست تخلفات که توسط قانون منع خشونت علیه زن پوشش داده شده و ارگهای مختلف تنفیذ قانون، ریاست امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مشترکاً آن فهرست را داشته و بر آن تفاهم داشته باشند، وجود ندارد. این وضعیت چالش شدیدی را در تشخیص و ارزیابی دامنه، طبیعت و درجه عوامل، موانع و عمومیت خشونت علیه زنان بوجود آورده است که اگر این امور دانسته می شد میتوانست در ارائه راه حلها موثر واقع گردد.

اکثریت کمیسیونهای ولایتی منع خشونت علیه زنان هنوز هم در تلاش ایفای وظیفه خویش می باشند. آنها هنوز به حمایت و نظارت کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان در کابل (نهادی که کمیسیون های ولایتی را نظارت میکند) ضرورت دارند تا بتوانند وظایف پرچالش خویش را انجام دهند.

تطبيق قانون منع خشونت علیه زن یک عنصر کلیدی پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۸) می باشد به دلیل اینکه این پلان خواستار بازنگری چارچوب قانونی و اصلاحات نظام عدلی و قضایی افغانستان به منظور تضمین مساوات و عدم تبعیض در قبال زنان آنطوریکه در قانون اساسی و معاهدات بین المللی حقوق بشری تصریح گردیده، می باشد. اخیراً، دولت افغانستان مجدداً بر تعهدات خویش مبنی تطبيق تساوی جنسیتی و حقوق زنان از طریق چارچوب حسابدی دوجانبه توکیو (Tokyo Mutual Accountability Framework) تاکید نموده است. دولت افغانستان در هماهنگی با شرکای بین المللی شاخص های را در پنج سکتور اصلی به منظور حمایت از شکوفایی و ایجاد یک افغانستان متکی به خود در چارچوب وسیع تر کمک های انکشافی شناسایی نموده است. آنها بر تطبيق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان و قانون منع خشونت علیه زن منحیث دو شاخص کلیدی اجراءات دولت افغانستان در تحقق هدف خویش مبنی بر بهبود حکومت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر در جریان چند سال آینده تاکید نمودند.

یافته های گزارش نشان میدهد که مانع اصلی در تطبيق قانون منع خشونت در مراحل گزارش دهی - مخصوصاً به پولیس و خازنوالی، ثبت و تحقیق واقعات خشونت علیه زنان، هنوز پا برجاست. با وجود اینکه ریاست های امور زنان در بسیاری از ولایات ثابت نموده است که در فراهم کردن میکانیزم موثر برای قربانیان خشونت به منظور گزارش دادن واقعات بسیار مفید میباشد، اما با آن هم چالش های دسترسی قربانیان به نهادهای ارائه کننده ی عدالت رسمی بسیار زیاد می باشد.

یافته های یوناما میتواند در درک عواملی که مانع تعقیب عدلی و قضایی خشونت علیه زنان میگردد، موثر واقع گردد. همچنان سطح مشکلات زنان در دسترسی به عدالت را برجسته ساخته و در سنجش موثریت برنامه های آموزشی و آگاهی دهی و سایر برنامه هایی که برای رسیدگی به خشونت علیه زنان تدوین میگردد، مفید واقع شود. سرانجام، بهبود در تطبيق قانون منع خشونت علیه زن و کاهش واقعات خشونت علیه زنان میتواند به بهبود محافظت حقوق زنان که به نوبت خود باعث تقویت نقش فعال و حیاتی آنها در جامعه به منظور تأمین صلح، امنیت و رفاه در افغانستان می شود، منجر گردد.

سفارشات کلیدی:

به حکومت افغانستان

- در عالی ترین سطوح به شمول رئیس جمهور، کماکان در انتظار عامه تاکید نمایند که حمایت و حفاظت از حقوق زنان بخش جدا ناپذیر و اولویت اساسی صلح، مصالحه و ادغام مجدد در سراسر افغانستان بوده و ستون مرکزی راهبرد های سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور می باشد.
- در همبستگی با شرکای بین المللی، یک چارچوب نظارت بر تعهدات مختص به تساوی جنسیتی، توانمندسازی زنان و تطبیق موثر قانون منع خشونت علیه زن، مندرج در اعلامیه توکیو و فرمان شماره ۴۵ ریاست جمهوری^{۱۷} را انکشاف دهد.

به وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان

- میکانیزمهای ارجاع را در سطح ولسوالی طرح و اجراء نموده و به منظور تسهیل و پی پیگیری ارجاع قربانیان خشونت علیه زنان به نهادهای ذیرط تنفیذ قانون و پیگیری قضایای آنها در آن ادارات و یا معرفی به ارائه کنندگان خدمات سرپناه، حمایت روانی-اجتماعی، حقوقی و مراقبت های صحتی، یکی از ادارات عضو کمیسیون به نمایندگی از آن این میکانیزم را مطابق به ماده ۱۶ قانون مذکور هماهنگ نماید.
- وزارت امور زنان در هماهنگی با وزارت امور داخله، وزارت عدلیه و لوی خارنوالی یک شاخص معیاری دسته بندی و طبقه بندی (خشونت علیه زنان) را انکشاف دهد که مشترکاً توسط تمام ارگانهای تطبیق قانون و ریاست امور زنان در ثبت تمام انواع خشونت علیه زنان به شمول قضایایی که در قانون منع خشونت علیه زنان جرم انگاری نشده اند مانند قتل های ناموسی، آنچه جرایم اخلاقی گفته میشود و تفکیک آنها از قضایای مدنی؛ مورد استفاده قرار گیرد.

به ستره محکمه

- به دیوان جزای عمومی و ریاست تفتیش هدایت دهد تا مشخصاً تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن در مورد قضایای خشونت علیه زنان توسط محاکم را نظارت کنند.

به لوی خارنوالی

- اطمینان حاصل نماید که ریاست خارنوالی جزای عمومی و سایر ریاست های مربوطه لوی خارنوالی از نحوه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالی ها، نظارت به عمل می آورند.
- به ایجاد و حمایت از کمیسیون ها و یا واحدهایی که مختص تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان می باشند در دفاتر خارنوالی های ولایتی، ادامه دهد و منابع بشری واجد شرایط و منابع لوجستیکی کافی در اختیار آنها قرار دهد.
- یک بانک اطلاعات مرکزی برای تمام قضایای خشونت علیه زنان را برای تمام خارنوالی ها به شمول خارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ایجاد نماید.

^{۱۷} فرمان جولای ۲۰۱۲ ریاست جمهوری مرتبط با فساد اداری و مسایل حکومت داری که به تمام وزارت ها و ادارات کلیدی رهنمودهایی را در آن موضوعات ارائه میکند.

به وزارت امور داخله

- حساس سازی در قبال خشونت علیه زنان و نقش پولیس در پاسخ دهی به نیازمندی های قربانیان را مطابق قانون منحصیث بخش از آموزشهای اساسی پولیس بگنجانند.
- برای اداره تحقیقات جنایی پولیس ، بشمول واحد حل منازعات فامیلی ، رهنمود های را صادر نماید که در آن انواع تخلف های را که باید تحقیق و تعقیب عدلی گردد و آن مواردی را که میتواند توسط پولیس میانجیگری گردد واضح و روشن سازد ، و اطمینان حاصل کند که قضایای که توسط پولیس به میانجیگری محول شده و یا توسط خود این واحد میانجیگری میگردد ، بشکل درست ثبت و بطور رسمی مستند ساخته شود.
- به منظور تضمین محافظت از قربانیانی که پس از میانجیگری قضایای شان به خانواده و جامعه خویش بر میگرددند ، یک ساختار موثر برای ثبت درست و پیگیری این گونه قضایا ایجاد نماید.
- یک بانک معلوماتی مرکزی برای تمام قضایای خشونت علیه زنان انکشاف دهد واطلاعات ادارات تحقیقات جنایی ، واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی و سایر نهاد های ذیربط در پولیس رادر آن وارد نماید.

به تمویل کنندگان بین المللی

- حکومت افغانستان را در قسمت تطبیق اعلامیه توکیو از طریق سوق دادن کمک های انکشافی خویش به سوی تعهدات داده شده در اعلامیه مذکور راجع به تساوی جنسیتی ، توانمند سازی زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان ، و ایجاد یک چارچوب نظارتی مشترک با شاخص های معین جهت سنجش پیشرفت دراین عرصه ها یاری رسانند.
- از تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۱۳۸۷-۱۳۹۷) به ویژه طرح و اجرای استراتژی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط حکومت ، حمایت به عمل آورند. به خصوص از ایجاد یک استراتژی ملی برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و حمایت از برنامه های دارای اولویت ملی "قانون و عدالت برای همه" و "ظرفیت سازی جهت تسریع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" حمایت نمایند.